

جرم شناسان پیشرو

دکتر سانا ز الستی



سرشناسیه	الستی، ساناز، ۱۳۵۷ =
عنوان و نام پدیدآور	جرم شناسان پیشرو / ساناز الستی
مشخصات نشر	تهران: میزان، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	۳۰۳ ص
فروست	نشر میزان ۳۴۷
شابک	978-964-511-146-3
وضعیت فهرست نویسی	فلیپا
موضوع	جرم شناسی — سرگذشتنامه و کتابشناسی
رده بندی کنگره	۷۰۲۶۹/۵۷ HV
رده بندی دیویی	۳۶۴/۰۱۶
شماره کتابشناسی ملی	۱۵۲۳۶۰۹

۳۴۷

نشر میزان

جرم شناسان پیشرو

دکتر ساناز الستی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۸

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۷-۹۶۴-۵۱۱-۱۴۶-۳

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۳۶۷۷۷۰

واحد یخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۲، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱

دفتر مرکزی: خیابان ایرانشهر جنوبی، جنب مسجد جلیلی، بن بست قره گزلو، پلاک ۱، واحد ۶، تلفن ۸۸۳۰۶۲۰۲

فهرست مطالب

۱۳		دیباچه
۲۹	 Freda Adler	فِرِدا آدلر
۳۲	 Robert Agnew	رابرت آگینو
۳۴	 Ronald Akers	رونالد ایکرز
۳۷	 Marc Ancel	مارک آنسل
۳۹	 Cesare Beccaria	چزاره بکاریا
۴۱	 Howard Becker	هوارد بکر
۴۴	 Jeremy Bentham	جرمی بنتام
۴۷	 Alfred Blumstein	آلفرد بلومستین
۴۹	 John Braithwaite	جان بریتویت
۵۲	 Robert Bursik	رابرت بورسیک
۵۵	 William Chambliss	ویلیام چمبلیس
۵۹	 Meda Chesney - lind	مِدا چسنی لیند
۶۲	 Richard Cloward	ریچارد کلوارد
۶۴	 George Cole	جرج کُله
۶۶	 Donald Cressey	دونالد کریسی
۶۸	 John Curra	جان کورا
۷۱	 Elliott Currie	الیوت کوریه

۷۳	Nanette Davis	ناتنه دیویس
۷۵	Scott Decker	اسکات دِکِر
۷۸	Benigno Di Tullio	بنینو دی تولیو
۷۹	Emile Durkheim	امیل دورکیم
۸۱	Richard Dugdale	ریچارد داگدل
۸۳	Delbert Elliott	دلبرت الیوت
۸۵	Finn Esbensen	فین ایسبنسن
۸۹	Hans Eysenck	هانس ایسنک
۹۱	David Farrington	دیوید فارینگتن
۹۴	Marcus Felson	مارکوس فِلْسَن
۹۶	Enrico Ferri	انریکو فری
۹۸	Franco Ferracuti	فرانکو فراکوتی
۱۰۰	William Ferrero	ویلیام فررو
۱۰۱	Diana Fishbein	دیانا فیشبین
۱۰۳	James Garofalo	جیمز گاروفالو
۱۰۶	Raffaele Garofalo	رافائل گاروفالو
۱۰۷	Daniel Glaser	دانیل گلیسر
۱۰۹	Eleanor and Sheldon Glueck	الائثر و شلدون گلوک
۱۱۱	Henry Goddard	هنری گُدارد
۱۱۳	Erich Goode	اریک گود
۱۱۵	Michael Gottfredson	مایکل گتفردسون
۱۱۸	Filippo Gramatica	فیلیپو گراماتیکا
۱۱۹	John Hagan	جان هاگن
۱۲۲	Stuart Henry	استیوارت هنری

۱۲۴	 Michael Hindelang	مایکل هیندلنگ
۱۲۶	 Travis Hirschi	تراویس هیرسچی
۱۲۸	 Earnest Hooton	ارنست هوتن
۱۳۱	 Julie Horney	جولی هرنی
۱۳۳	 David Huizinga	دیوید هیوزینگا
۱۳۵	 James Inciardi	جیمز اینکیاردی
۱۳۷	 Immanuel Kant	ایمانوئل کانت
۱۳۹	 Jack Katz	جک کاتز
۱۴۱	 Gary Kleck	گری کلیک
۱۴۳	 Marvin Krohn	ماروین کروان
۱۴۵	 Edwin Lemert	ادوین لیمرت
۱۴۸	 John Laub	جان لوب
۱۵۰	 Rolf Loeber	رولف لوبر
۱۵۲	 Cesare Lombroso	چزاره لمبروزو
۱۵۶	 Hermann Mannheim	هرمن مننیم
۱۵۹	 Robert Martinson	رابرت مارتینسن
۱۶۱	 Karl Marx	کارل مارکس
۱۶۳	 Ross Matsuedo	راس متسودو
۱۶۵	 David Matza	دیوید متزا
۱۶۷	 Joan McCord	جوآن مککورد
۱۷۰	 Henry McKay	هنری مککی
۱۷۲	 Robert Merton	رابرت مرتون
۱۷۵	 Steven Messner	استیون مسنر
۱۷۷	 Walter Miller	والتر میلر

۱۷۹	 Terrie Moffitt	تری مافیت
۱۸۱	 Raymond Paternoster	ریموند پاترنستر
۱۸۳	 Robert Peel	رابرت پیل
۱۸۵	 Alex Piquero	آلکس پیکورو
۱۸۷	 Otto Pollak	اُتو پُلاک
۱۸۹	 Henry Pontell	هنری پُنتِل
۱۹۱	 Adolf Prins	آدولف پرینس
۱۹۲	 Adolphe Quetelet	آدولف کتله
۱۹۵	 Richard Quinney	ریچارد کیوینی
۱۹۸	 Liloyd Ohlin	لیوید اهلین
۱۹۹	 Stephen Raudenbush	استفان رادنبوش
۲۰۱	 Albert Reiss	آلبرت ریس
۲۰۳	 Lee Robins	لی رابینز
۲۰۴	 Richard Rosenfeld	ریچارد روزنفلد
۲۰۶	 Diana Russell	دیانا راسل
۲۱۰	 Robert Sampson	رابرت سمپسون
۲۱۲	 Robert Seidman	رابرت سیدمن
۲۱۵	 Thorsten Sellin	تُرسْتِن سلین
۲۱۸	 Rita Simon	ریتا سیمون
۲۲۰	 Darrell Steffensmeier	دارِل استفنسْمیر
۲۲۲	 Edwin Sutherland	ادوین ساترلند
۲۲۴	 Gresham Sykes	گریشام سایکس
۲۲۶	 Frank Tannenbaum	فرانک تَننباُم
۲۲۸	 Paul Tappan	پُل تاپان

۲۳۰	 Gabriel Tarde	گابریل تارد
۲۳۲	 Terence Thornberry	ترنس ثرنبری
۲۳۶	 Charles Tittle	چارلز تیتله
۲۳۸	 Kenneth Tunnell	کِنِت تانل
۲۴۰	 Austin Turk	آستین ترک
۲۴۲	 George Vold	جرج وُلد
۲۴۴	 Hans Von Hentig	هانس فون هنتیک
۲۴۶	 William Wilbanks	ویلیام ویلبنکس
۲۴۸	 David Wilson	دیوید ویلسون
۲۵۰	 Marvin Wolfgang	ماروین وُلفگنگ
۲۵۲	 Franklin Zimring	فرانکلین زیمرینگ
۲۵۷		کتاب‌شناسی نظریه‌های جرم‌شناسی

دیاچه

جرم‌شناسی مطالعه‌ی اجتماعی - علمی جرم به عنوان پدیده‌ای فردی و اجتماعی می‌باشد. پژوهش‌های جرم‌شناسی شامل انواع جرایم و همچنین علل و اثرات آن و مقررات و واکنش آنها به جرایم می‌باشد. جرم‌شناسی مطالعه‌ی علمی رفتارها با توجه ویژه به جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و قوانین می‌باشد. در سال ۱۸۸۵، استاد ایتالیایی حقوق رافائل گاروفالو [Raffael Garofalo] واژه‌ی «جرم‌شناسی»^{*} را برای نخستین بار برگزید. انسان‌شناس فرانسوی پل تپینارد [Paul Topinard] تقریباً در همان دوران واژه‌ی جرم‌شناسی^{**} را به کار برد.^۱ اندیشمندان اجتماعی، جرم‌شناسی در نیمه‌ی قرن هژدهم مکاتب گوناگونی را در زمینه جرم‌شناسی مطرح نمودند:

مکتب کلاسیک که در نیمه‌ی قرن هژدهم شکل گرفت، بر اساس فلسفه سودگرایی بود. چزاره بکاریا [Cesare Bacaria] نویسنده‌ی جرایم و مجازات‌ها (۶۴-۱۷۶۳)، جرمی بتام [Jeremay Bentham] مبتکر زندان با کنترل مرکزی تام^{*} و سایر اندیشمندان مکتب کلاسیک استدلال نمودند: ۱. انسان‌ها اراده‌ی آزاد در خصوص عملکرد خود دارند. ۲. ارباب و پیشگیری بر اساس مفهوم انسان به عنوان موجودی که به دنبال خوشی است ولی از دردها و آلام اجتناب می‌ورزد

*. در انگلیسی Criminology و در زبان ایتالیایی Criminologia.

**. در زبان فرانسوی Criminologie.

*. Panopticon.

قرار گرفته است و چنین انسانی به محاسبه هزینه‌ها و منافع نتایج عمل خود می‌پردازد. ۳. مجازات می‌تواند منجر به پیشگیری از جرایم گردد. ۴. کیفرهای قاطع و سرعت در اعمال آنان، اثر ارعابی آن‌را افزایش می‌دهد. مکتب کلاسیک در دورانی مطرح شد که اصلاحات بسیاری در زمینه‌ی توسعه‌ی زندان و قوانین صورت گرفت و همگام با انقلاب فرانسه و توسعه نظام حقوقی در ایالات متحده بود.

مکتب تحقیقی، اعتقاد دارد که رفتار بزهکارانه در اثر عوامل درونی و بیرونی، خارج از کنترل فرد به وقوع می‌پیوندد. در نتیجه روش عملی برای مطالعه رفتار انسان در اختیار گرفته شد. مکتب تحقیقی را می‌توان به سه بخش زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحقیقی تقسیم نمود.

جزاره لمبروزو، پزشک ایتالیایی زندان، در اواخر قرن نوزدهم که به پدر جرم‌شناسی مشهور است، سهم قابل ملاحظه‌ای در مکتب تحقیقی زیست‌شناختی داشت و بنیانگذار مکتب ایتالیایی جرم‌شناسی بود. ۳ لمبروزو برای مطالعه جرایم از رهیافتی علمی مدد جست. ۴ او به عنوان بنیانگذار انسان‌شناسی جنایی بیان نمود که ویژگی‌های جسمانی همچون اندازه‌های استخوان‌های گونه و خط رویش مو... می‌تواند نشانگر گرایش‌های ارثی بزهکاری باشد. این رهیافت متأثر از نظریه چارلز داروین [Charles Darwin] بود. انریکو فری [Enrico Ferri]، شاگرد لمبروزو باور داشت عوامل اجتماعی همچون عوامل ارثی نقش مهمی ایفا می‌نماید و ذکر نمود که بزهکاران نباید مسؤول عواملی باشند که خارج از کنترل آنان است و منجر به بزهکاری می‌گردد. ۵

مکتب ایتالیایی لمبروزو، در فرانسه توسط الکساندر لاکاسانی [Alexandre Lacassagne] ادامه یافت. مکتب لاکاسانی نظریه‌ی مجرم‌بالفطره لمبروزو را رد نمود و به دلایل اجتماعی اهمیت داد. اگرچه برخلاف گرایش‌های جامعه‌شناسانه دورکیم [Durkheim] عوامل ارثی را کاملاً رد نمود. در حقیقت لاکاسانی به ترکیب عوامل زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی پرداخت. ۶ افزون بر آن، لاکاسانی به انتقاد از عدم کارآمدی زندان پرداخت و مخالف کیفر مرگ بود و

کیفرهای سخت‌تری را برای تکرارکنندگان جرایم پیشنهاد نمود.^۶

هانس ایسنک [Hans Eysenck] روان‌شناس انگلیسی بیان نمود که عوامل روان‌شناختی همچون برون‌نگری و اختلال عصبی، منجر به ارتکاب رفتارهای بزهکارانه می‌گردند. دیدگاه وی فاصله میان توجیهات زیست‌شناختی و اجتماعی یا محیطی را تکمیل نمود.

رویکرد جامعه‌شناختی مکتب تحقیقی ادعا نمود که عوامل اجتماعی همچون فقر، عضویت در خرده فرهنگ‌ها یا تحصیلات کم می‌تواند افراد را مستعد ارتکاب جرایم نماید. آدولف کتله [Adolphe Quetelet] با استفاده از آمار و تحلیل آنها به رابطه‌ی میان جرم و عوامل اجتماعی پی برد. او بیان نمود که سن، جنسیت، فقر، تحصیلات و میزان الکلی خون عوامل مهمی در ارتباط با جرم می‌باشند.^۷ راوسون دلیو [Rawson W] با بررسی آمار جرایم ذکر نمود که بین تراکم جمعیت و آمار جرایم رابطه وجود دارد و در شهرهای پرجمعیت احتمال ارتکاب جرایم بیشتر است.^۸ جوزف فلچر [Joseph Fletcher] نیز در این خصوص به مطالعه‌ی رابطه‌ی جرم و میزان جمعیت در شهر لندن پرداخت.^۹ هنری میه‌یو [Henry Mayhew] با مطالعه‌ی علمی نژادها و در نظر گرفتن فقر به بسیاری از سؤالات در مطالعاتش به نام‌های «لندن کارگری» و «لندن فقیر» پاسخ داد.^{۱۰}

مکتب شیکاگو در اوایل قرن بیستم با تلاش‌های جامعه‌شناسان همچون رابرت اِزرا پارک [Robert Ezra Park] و ارنست بورگس [Ernest Burgess] در دانشگاه شیکاگو شکل گرفت. در دهه‌ی ۱۹۲۰، پارک و برگس ۵ منطقه را در شهر شناسایی نمودند که ناهنجاری مشخصه‌ی این مناطق بود. در دهه‌ی ۱۹۴۰، هنری مک‌کی [Henry McKay] و کلیفورد شاو [Clifford Shaw] به بزهکاری اطفال تمرکز نمودند و پی بردند که آنان در این مناطق حضور دارند.

جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، رهیافت بوم‌شناسی اجتماعی را برای مطالعه شهرها برگزیدند و بیان نمودند که مناطق شهری با میزان فقر بالا، در بیشتر موارد شاهد تزلزل در ساختارها و نهادهای اجتماعی همچون خانواده و مدارس هستند. این امر به عدم سازمان‌دهی اجتماعی و همچنین کاهش توانایی این نهادها

به کنترل رفتار می‌گردد و محیطی را که مستعد برای کژروی رفتار است را ایجاد می‌نماید. سایر دیدگاه‌ها به مسایل روان‌شناختی در این زمینه نیز پرداختند. ادوین ساترلند [Edwin Sutherland] بیان نمود که انسان‌ها رفتار مجرمانه را از بزه‌کاران با تجربه‌تر می‌آموزند.

نظریه‌های گوناگونی نیز همچون نظریه‌های ساختار اجتماعی، فردی، میانکنشی و پیشگیری... در زمینه‌ی جرم‌شناسی وجود دارد، در این نظریه‌های جرم‌شناسی از تحلیل روانی فروید، پست مدرنیسم، مارکسیسم... برای تبیین رفتار مجرمانه استفاده شده است.

نظریه‌های ساختار اجتماعی شامل مواردی همچون نابسامانی اجتماعی، بوم‌شناسی اجتماعی، نظریه فشار، نظریه خرده فرهنگ می‌باشد.

نظریه نابسامانی اجتماعی بر اساس پژوهش هنری مککی و کالیفرد شاو در مکتب شیکاگو می‌باشد.^{۱۱} نظریه‌ی نابسامانی اجتماعی اذعان می‌کند که محله‌های فقیر و محروم از نظر اقتصادی، با جرایم بیشتری دست در گریبان هستند.^{۱۲} در چنین جوامعی حفظ نظم اجتماعی مشکل به نظر می‌رسد.

تا دهه‌ی ۱۹۷۰، مطالعات بوم‌شناسی اجتماعی بر اساس نظریه‌ی نابسامانی اجتماعی استوار بود. بسیاری از بررسی‌ها بر این امر استوار بود که میزان جرایم در ارتباط با فقر، بی‌نظمی، ساختمان‌های متروک... می‌باشد.^{۱۳} زمانی که مردم طبقه‌ی متوسط چنین محله‌هایی را ترک نمودند، وضعیت نامساعدتر گشت. ویلیام جولیوس ویلسون [William Julius Wilson] بیان می‌کند که فقر منجر به این می‌شود که برخی محله‌ها از جریان اصلی جامعه جدا شده و برای خشونت مستعد گردند.

نظریه فشار یا طبقه اجتماعی که توسط جامعه‌شناس آمریکایی رابرت مرتون [Robert Merton] شکل گرفت، اعتقاد دارد که جریان اصلی فرهنگ، به ویژه در ایالات متحده با رویاهای نیل به فرصت‌ها اشباع شده، آنچنان که مرتون از آن به عنوان رویاهای آمریکایی نام می‌برد. بسیاری از مردم به این رویاها اهمیت می‌دهند و به فرهنگی قدرتمند با انگیزه‌ی کافی روانی تبدیل شده است. مرتون نیز

به واژه آنومی یا ناهنجاری اشاره می‌نماید. ولی این ناهنجاری معنای کاملاً متفاوتی از آنچه دورکیم در نظریات خود بیان کرده دارد. مرتون این واژه را در خصوص تقسیم آنچه جامعه از شهروندان انتظار دارد و آنچه شهروندان به آن می‌رسند، معنا می‌نماید. در نتیجه، اگر ساختار اجتماعی فرصت‌ها نابرابر باشد و اکثریت مردم را از دست یافتن به رؤیاهایشان منع نماید برخی از آنها مرتکب جرم می‌گردند.^{۱۴}

پس از مکتب شیکاگو، نظریه فشار و نظریه ادوین ساترلند در خصوص معاشرت ترجیحی، نظریه خرده فرهنگ‌ها به گروه‌های فرهنگی کوچکی متمرکز می‌گردد که از جریان اصلی جامعه دور شده‌اند تا ارزش‌هایی را که به آن باور دارند با توجه تفسیر خود از زندگی شکل دهند.

آلبرت کوهن [Albert Cohen] نظریه آنومی را با نظریه فروید در خصوص شکل‌گیری واکنش ادغام می‌نماید و بیان می‌کند که بزهکاری میان جوانان طبقات پایین جامعه، واکنش به هنجارهای اجتماعی طبقه متوسط می‌باشد.^{۱۵} برخی از جوانان، به ویژه اهالی مناطق فقیرتر که فرصت‌های اندکی دارند، ممکن است هنجارهای اجتماعی مناطقی را اتخاذ نمایند که در مخالفت با قدرت حاکم قرار دارد و رفتارهای مجرمانه زمانی به وقوع می‌پیوندد که جوانان از هنجارهای خرده فرهنگ‌گزرو تبعیت نمایند.^{۱۶}

ریچارد کلوارد [Richard Cloward] و لیود اهلین [Lloyd Ohlin] ذکر می‌کنند که بزهکاری می‌تواند نتیجه‌ی فرصت‌ترجیحی جوانان طبقات پایین باشد. این جوانان به دلیل انتخاب راه نامشروعی که برای آنان فواید اقتصادی بیشتری دارد، در مقابل راه حل‌های قانونی که مشاغل با درآمد اندک را عرضه می‌نماید، به رفتارهای بزهکارانه جلب می‌شوند.^{۱۷}

نظریه نمود جسمانی و کنترل از جمله دیدگاه‌های مطرح نظریه‌های فردی می‌باشند. نظریه‌های نمود جسمانی با توجه به ویژگی‌های ارثی - اجتماعی و روانشناختی نیز در جرم‌شناسی مدرن، با توجه به رشد روش‌های علمی مطالعه ژنتیک، بیوشیمی و عصب‌شناسی مؤثر واقع شد. بر اساس این دیدگاه ژنتیک تاثیر بسیاری بر رفتار انسان دارد. آنان معتقدند که عوامل زیست‌شناختی همگام با

عوامل اجتماعی و محیطی می‌تواند منجر به ارتکاب جرم گردند. این مطالعات همچنین به تأثیر میزان قند خون و کارکرد هورمون‌ها و رفتار خشونت‌آمیز اشاره می‌نمایند. همین‌طور آلودگی محیط به ویژه افرادی که الگوی فرد هستند می‌تواند منجر به چنین رفتاری گردد. جرم‌شناسی به نام لونی آتنز [Lonnie Athens] بیان می‌کند که چگونه خشونت والدین و افرادی که الگوی فرد هستند در دوران کودکی می‌تواند به ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز در بزرگسالی منجر گردد، ولی آتنز تأثیر عوامل ژنتیک را می‌نماید.

نظریه دیگر، نظریه کنترل می‌باشد. برخلاف دیدگاههایی که به دنبال عواملی می‌باشد که فرد را مجرم می‌سازد، این نظریه به دنبال تشریح عللی می‌باشد که افراد مجرم نمی‌شوند. تراویس هیرسچی [Travis Hirschi] چهار ویژگی: وابستگی به دیگران، اعتقاد به ارزش اخلاقی قوانین، الزام در به دست آوردن موفقیت و انجام فعالیت‌های مرسوم را در این خصوص مشخص می‌نماید.^{۱۹} وقتی فرد بیشتر این ویژگی‌ها را نشان دهد، احتمال ارتکاب کژروی در شخصی مشاهده نگردد، احتمال ارتکاب عمل مجرمانه بیشتر می‌شود. هیرسچی بیان می‌کند که فردی با عدم خودکنترلی پایین، احتمال این که بزه‌کار گردد بیشتر است.^{۲۰} به عنوان مثال فردی می‌خواهد قایق تفریحی بخرد ولی امکان آن را ندارد. اگر این فرد از خودکنترلی استفاده ننماید، ممکن است قایق تفریحی از راه غیر قانونی به دست آورد. وابستگی‌های اجتماعی به والدین والگوهای فرد در جامعه می‌تواند در جهت خلاف خودکنترلی پایین عمل نماید. در خانواده‌های با وضعیت اقتصادی پایین، عاملی که منجر به تمایز آنان از خانواده‌هایی با کودکان بزه‌کار می‌گردد، کنترل توسط والدین می‌باشد.^{۲۱}

نظریه میانکنشی، بر اساس عقاید ادموند هاسرل [Edmund Husserl] و جورج هربرت [George Herbert] و همچنین نظریه خرده‌فرهنگ‌ها و نظریه تضاد شکل گرفت.^{۲۲} این نظریه بر روابط میان دولت قدرتمند، رسانه‌های جمعی و گروه‌های با قدرت اندک متمرکز است. گروه‌های قدرتمند توانایی آن را دارند که مهم‌تر از دیگران جلوه نمایند. آنها می‌توانند از برچسب مجرم برای بزه‌کاران

نوجوان استفاده نمایند. هوارد بکر [Howard Becker] و ادوین لمرت [Edwin Lemert] در نیمه‌ی قرن بیستم به توسعه این نظریه پرداختند.^{۲۳}

نظریه پیشگیری را می‌توان در زمینه‌ی نظریه‌ی انتخاب معقول و فعالیت‌های روزمره مطرح نمود. نظریه انتخاب معقول بر اساس سودگرایی و فلسفه‌ی اندیشمندان مکتب کلاسیک استوار است. آنان استدلال می‌نمایند که مجازات اگر سریع، قاطع و متناسب با جرم باشد، با در نظر گرفتن مضار ارتکاب آن برای مجرم، می‌تواند منجر به پیشگیری از ارتکاب جرایم گردد. چاره‌ی بکار یا در رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها چنین دیدگاهی را در کیفرشناسی اتخاذ نمود. از دیدگاه وی، کیفر به عنوان الزام اعمال قانونی برای بزه می‌باشد. بنابراین قاضی تنها به تأیید حکم بر اساس قانون می‌پردازد. بکار یا همچنین بین جرم و گناه قائل به تمایز می‌گردد و مخالف کیفر مرگ و همین‌طور شکنجه و مجازات‌های غیر انسانی می‌باشد و آنها را فاقد اثر اربابی معقول می‌داند.

این فلسفه تحت نفوذ مکاتبی همچون مکتب تحقیقی و شیکاگو قرار گرفت، تا این که در دهه‌ی ۱۹۷۰ با آثار افرادی همچون جیمز ویلسون [James Wilson] و گری بکر [Gary Becker] در سال ۱۹۶۵ با مقاله‌ای به نام «جرم و مجازات»^{۲۴} و مقاله جرج استیگلر [George Stigler] در سال ۱۹۷۰ به نام «مطلوب‌ترین شکل اجرای قوانین»^{۲۵} احیا شد. نظریه انتخاب معقول بیان می‌کند که بزه‌کاران، همانند سایر افراد، به بررسی هزینه‌ها و فواید ارتکاب جرم می‌پردازند.^{۲۶} آنها همچنین با در نظر گرفتن زمان، مکان و سایر موارد، سعی در به حداقل رساندن خطرات ارتکاب جرم دارند.^{۲۶}

در این دیدگاه، پیشگیری از جرایم با افزایش خطر مجرمیت و احتمال دستگیری با افزایش نظارت، حضور پلیس یا نگاهبان، افزایش میزان نور خیابان‌ها و سایر اقدامات برای کاهش جرایم به وقوع می‌پیوندد.^{۲۷}

تفاوت اساسی میان این دیدگاه و نظریه سودگرایی جرمی بتنام که در جرم‌شناسی مطرود می‌باشد، این است که اگر بتنام مقابله کامل با جرایم را از طریق زندان با کنترل مرکزی تام را امکان‌پذیر می‌دانست، نظریه بکر بیان می‌کند که جامعه

نمی‌تواند جرایم را ریشه‌کن نماید. برای نمونه، اگر ۲۵٪ از محصولات سوپرمارکت‌ها سرقت می‌شود، می‌توان آن را به ۱۵٪ کاهش داد و شاید بتوان به ۵٪ رساند ولی رساندن آن به ۳٪ مشکل و از بین بردن کامل آن غیرممکن است.

نظریه فعالیت‌های روزمره توسط مارکوس فِلسن [Murcus Fleson] و لارنس کهن [Lawrence Cohen] بر اساس نظریه کنترل و توجه جرم با توجه به فرصت‌های ارتکاب بزه که در زندگی روزانه وجود دارد شکل گرفت.^{۲۸} فرصت ارتکاب جرم، نیازمند عناصر مکانی و زمانی از جمله: ۱. مرتکب با انگیزه ۲. بزه‌دیده با هدف مناسب ۳. فقدان محافظ یا نگاهبان توانا می‌باشد.^{۲۹} محافظ یا نگاهبان در یک مکان همچون خیابان می‌تواند مأمور امنیتی یا حتی عابران پیاده‌ای باشند که می‌توانند شاهد عمل مجرمانه باشند و از آن ممانعت نموده یا به پلیس اطلاع دهند.^{۲۹}

مکاتب کلاسیک و تحقیقی، دیدگاه مشابهی در خصوص جرم داشتند و آن را عملی می‌دانستند که ارزش‌های اصلی و باورهای جامعه را نقض می‌نماید. این ارزش‌ها و باورها در جامعه به شکل قانون تبلور یافته‌اند. دو نوع قانون وجود دارد: قوانین طبیعی که ریشه در ارزش‌های اساسی دارد که میان بسیاری از فرهنگ‌ها مشترک می‌باشد. این قوانین طبیعی از صدمات وارده به افراد، همچون قتل عمدی، تجاوز به عنف و حمله مَشدد یا اموال، همانند سرقت حمایت می‌کند. نوع دوم قوانینی می‌باشد که قانونگذاران آن را تصویب نموده و نمایانگر ویژگی‌های فرهنگی کنونی می‌باشند. جرم‌شناسی مارکسیستی، تضاد و انتقادی ادعا می‌نماید که بیشتر روابط میان دولت و شهروندان بر اساس رضایت‌مندی آنان نیست و حقوق کیفری لزوماً نشانگر باورها و خواسته‌های مردم نمی‌باشد.

در نتیجه تعاریف جرایم، از مکانی به مکانی دیگر با توجه به هنجارهای اخلاقی و فرهنگی متفاوت است. اگرچه می‌توان آن را به بخش‌هایی همچون جرایم یقه آبی‌ها، جرایم شرکت‌ها، جرایم سازمان یافته، جرایم سیاسی، جرایم علیه نظم عمومی، جرایم علیه حکومت و جرایم یقه سفیدها... دسته‌بندی کرد.

پس از شرح آنچه جرم‌شناسی بدان می‌پردازد، شناخت جرم‌شناسان و

افرادی که به مطالعه جرم‌شناسی می‌پردازند لازم به نظر می‌رسد. جرم‌شناس فردی می‌باشد که به بررسی علل جرایم، رفتار بزه‌کارانه، انواع جرایم و واکنش اجتماعی، فرهنگی به جرایم می‌پردازد. جرم‌شناس اصولاً به فردی گفته می‌شود که به مطالعه‌ی علمی، حرفه‌ای و پژوهشی علل، پیشگیری، کنترل جرم، اصلاح و درمان بزه‌کاری، اجرای قانون، نظام قضایی و زندان‌ها و همچنین مطالعه بزه‌دیده‌ی جرم می‌پردازد.

کتاب حاضر به جرم‌شناسان پیشرو می‌پردازد، جرم‌شناسانی که به نوعی در زمینه‌ی جرم‌شناسی، پیشبرد آن، مطرح نمودن نظریه‌ها و مکتب‌های جدید و ارایه پژوهش‌های نوین و مؤثر تأثیرگذار بوده‌اند. ممکن است برای خوانندگان ارجمند چنین سؤالی مطرح گردد که چرا این افراد به عنوان جرم‌شناسان پیشرو انتخاب شدند و هدف از گردآوری این کتاب چیست.

هدف از گردآوری نام این جرم‌شناسان و تدوین آن به صورت کتاب حاضر، لزوم آشنایی پژوهشگران، دانشجویان و حقوق‌دانان علاقه‌مند به عدالت کیفری با افرادی می‌باشد که به جرم‌شناسی جان و روح بخشیده‌اند و موجبات تحول تدریجی آن را فراهم نموده و دامنه‌ی شناخت جرم‌شناسی را وسعت بخشیدند. در حقیقت، این اثر سه هدف را دنبال می‌کند: نخست آشنا کردن پژوهشگران عدالت کیفری، به ویژه دانشجویان حقوق کیفری و جرم‌شناسی با مشاهیر رشته‌ی خود، دوم آشنا کردن با نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی و تحقیقات عمده‌ای می‌باشد که در زمینه‌ی جرم‌شناسی صورت گرفته، سوم و هدف عمده از گردآوری این کتاب، هدایت نمودن دانشجویان این رشته به ویژه در مقاطع بالاتر برای تسهیل در انجام تحقیق و پژوهش‌های جرم‌شناسی می‌باشد.

به منظور نیل به اهداف فوق، به ویژه فراهم آوردن روشی مناسب برای انجام پژوهش‌های جرم‌شناسی در آینده، در این کتاب در ذیل نام هر جرم‌شناس شرح مختصری از دستاوردها، تخصص و زمینه‌های پژوهشی وی آمده است، بدین جهت پژوهشگران و دانشجویان جرم‌شناسی می‌توانند با متخصصان و نظریه‌پردازان جرم‌شناسی آشنا گردیده و موضوعی را که در صدد پژوهش در

خصوص آن هستند از طریق آن جرم شناس و آثار وی با سهولت بیشتری مورد مطالعه قرار دهند و حتی با فراهم آوردن مشخصاتی از قبیل پست الکترونیکی و آدرس و نشانی محل تدریس، امکان مکاتبه با جرم شناسی که در زمینه‌ی مورد علاقه یا مورد پژوهش پژوهشگر و دانشجوی ایرانی هستند به پژوهش و نظریه پردازی پرداخته، امکان پذیر می گردد.

کتاب های دیگری که در زمینه های مشابه به چاپ رسیده است، به جنبه ی کاربردی آنان در جهت تشویق دانشجو و پژوهشگران جوان به پژوهش و امکان ارتباط با جرم شناسی که می تواند حتی از راه دور به راهنمایی آنان بپردازد توجه اندکی شده و بیشتر زندگینامه و شرح حال حقوقدانان و جرم شناسان می باشد. ولی در این کتاب به شرح حال مختصری که تنها زمینه ی پژوهشی جرم شناس را معین می کند بسنده شده و سعی شده بیشتر جرم شناسانی را که در حال حاضر به فعالیت می پردازند دربر گیرد. اما به دلیل اهمیت برخی جرم شناسان و تأثیر آنان در نظریه و مکاتب کنونی جرم شناسی، به برخی از افرادی که در قید حیات نیستند نیز پرداخته شده است.

تذکر این نکته لازم به نظر می رسد که اگر چه جرم شناسی از اروپا آغاز شد و با پیدایش مکتب تحقیقی در ایتالیا در ربع آخر قرن نوزدهم نگرشی علمی نسبت به جرم شکل گرفت، خاستگاه نظریه های نوین جرم شناسی پس از نیمه ی دوم قرن بیستم، بیشتر آمریکای شمالی می باشد که دیگر جامعه شناسان و نه حقوقدانان به بررسی علل پدیده مجرمانه با تمرکز ویژه بر مطالعات جامعه شناختی می پردازند. در نتیجه بسیاری از جرم شناسان آمریکایی که از آنان نام برده شده با دیدگاه جامعه شناسانه به بررسی جرم و علل آن می پردازند.

اثر جرم شناسان پیشرو به گونه ای تدوین شده که امکان شناخت برگزیده ای از جرم شناسان پیشرو در اروپا و آمریکا به ترتیب حروف الفبا میسر گردیده و در ذیل هر نام مختصری از شرح حال و زمینه ی پژوهشی و نظریه وی ارائه شده است. کتاب شناسی که برگزیده ای از آثار تأثیرگذار آن جرم شناس می باشد و مشخصات، همچون پست الکترونیکی، تلفن، فکس و آدرس جرم شناس و حتی فهرست منابع

پیشنهادی برای دسترسی به اطلاعات بیشتر در خصوص جرم‌شناس آمده است. به امید آن که، کتاب جرم‌شناسان پیشرو که شامل شناسنامه آکادمیک و کتاب‌شناسی جرم‌شناسان می‌گردد، نقطه‌ی روشنی، هر چند اندک در فضای نیمه تاریک پژوهش‌های جرم‌شناسی در این دیار محسوب گردد. در پایان لازم می‌دانم از همدلی‌های پدر و مادر مهربانم که بدون یاری آنان اتمام این کتاب میسر نبود سپاسگزاری نمایم و امیدوارم خوانندگان محترم نظریات خود را به آدرس پست‌الکترونیکی alasti_law@yahoo.com به من متذکر شوند.

ساناز الستی

فهرست منابع

1. Defflem, Mathieu (2006). Sociological Theory and Criminological Research: Views from Europe and the United States. Elsevier, p. 279.
2. Beccaria, Cesare (1764). in Richard Davies, translatro: On Crimes and Punishments, and Other Writings. Cambridge University Press, p. 64.
3. Siegel, Larry J. (2003). Criminology, 8th edition. Thomson-Wadsworth, p. 7.
4. McLennan, Gregork, Jennie Pawson, Mike Fitzgerald (1980). Crime and Society: Readings in History and Theory. Toutledge, p. 311.
5. Siegel, Larry J. (2003). Criminology, 8th edition. Thomson-Wadsworth, p. 139.
6. Marc Renneville, La criminologie perdue d'Alexandre Lacassagne (1843-1924).
(<http://www.criminocorpus.cnrs.fr/article143.html>), Criminocorpus, Centre Alexandre Koyré CRHST, UMR n^o 5601 of the CNRS, 2005 (French).
7. Beirne, Piers (March 1987). "Adolphe Quetelet and the Origins of Positivist Criminology". American Journal of Socieology 92(5): pp. 1140-1169.

8. Hayward, Keith J. (2004). *City Limits: Crime, Consumerism and the Urban Experience*. Routledge, p. 89.
9. Garland, David (2002). "Of Crimes and Criminals", in Maguire, Mike, and Morgan, Robert Reiner: *the Oxford Handbook of Criminology*, 3rd edition. Oxford University Press, p. 21.
10. "Henry Mayhew: London Labour and the London Poor (<http://www.csiss.org/classics/content/125>". Center for Spatially Integrated Social Science.
11. Shaw, Clifford R. and McKay, Henry D. (1942). *Juvenile Delinquency and Urban Areas*. The University of Chicago Press.
12. Bursik Jr., Robert J. (1988). "Social Disorganization and Theories of Crime and Delinquency: Problems and Prospects". *Criminology* 26: p. 519-539. doi: 10. 1111/j. 1745-9125. 1988. tb00854.x (<http://dx.doi.org/10.1111/j.1745-9125.1988.tb00854.x>).
13. Morenoff, Jeffrey, Robert Sampson, Stephen Raudenbush (2001). "Neighborhood Inequality, Collective Efficacy and the Spatial Dynamics of Urban Violence". *Criminology* 39: p. 517-60. doi: 10.1111/j.1745-9125.2001.tb00932.x(<http://dx.doi.org/10.1111/j.1745-9125.2001.tb00932.x>).

14. Merton, Robert (1957). Social Theory and social Structure. Free Press.
15. Cohen, Albert (1955). Delinquent Boys. Free Press.
16. Kornhauser, R. (1978). Social Sources of Delinquency. University of Chicago Press.
17. Cloward, Richard, Lloyd Ohlin (1960). Delinquency and Opportunity. Free Press.
18. Rhodes, Richard (2000). Why They Kill: The Discoveries of a Maverick Criminologist. Vintage.
19. Hirschi, Travis (1969). Causes of Delinquency. Transaction Publishers.
20. Gottfredson, M., T. Hirschi (1990). A General Theory of Crime. Stanford University Press.
21. Wilson, Harriet (1980). "Parental Supervision: A Neglected Aspect of Delinquency". British Journal of Criminology 20.
22. Mead, George Herbert (1934). Mind Self and Society. University of Chicago Press.

23. Becker, Howard (1963). *Outsiders*. Free Press.
24. Gary Becker, "Crime and Punishment", in *Journal of Political economy*, vol. 76 (2), March-April 1968, p. 196-217.
25. George Stigler, "The Optimum Enforcement of Laws", in *Journal of Political Economy*, vol. 78 (3), May-June 1970, p. 526-536.
26. Cornish, Derek, and Ronald V. Clarke (1986). *The Reasoning Criminal*. Spring-Verlag.
27. Clarke, Ronald V. (1992). *Situational Crime Prevention*. Harrow and Heston.
28. Felson, Marcus (1994). *Crime and Everyday Life*. Pine Forge.
29. Cohen, Lawrence, and Marcus Felson (1979). "Social Change and Crime Rate Trends". *American Sociological Review* 44: 588. doi: 10.2307/2094589.
(<http://dx.doi.org/10.2307/2094589>).

منابع پیشنهادی

Wikibooks: Introduction to sociology.

(http://en.wikibooks.org/wiki/Introduction_to_Sociology).

Cesare Beccaria, *Dei delitti e delle pene* (1763-1764).

Brantingham, P.J. & Brantingham, P.L. (1991). Environmental Criminology. Prospect Heights, IL: Waveland Press.

Barak, Gregg (ed). (1998). Integrative criminology (International Library of Criminology, Criminal Justics & Penology.). Aldershot: Ashgate/Dartmouth.

Pettit, Philip and Braithwait, John. Not Just Deserts. A Republican Theory of Criminal Justice.